



گفتمان کاوی در فقه؛ گامی در راستای رفع چالش های حقوق اسلامی (مسئله تحقیق: قوامیت زوج)

بشری عبدخدایی^۱

abdkhodaei@um.ac.ir

چکیده

گفتمان کاوی از دانش های نوینی است که در علوم اجتماعی مطرح شده و هدف آن واکاوی منطق حاکم بر زبان و گفتار است. گفتاری که حامل اندیشه بشر و مافوق بشر بوده و در پی آن فرهنگ، سنت، آداب و حقوق جوامع شکل می گیرد. با توجه به نقش دانش فقه در حوزه قانون گذاری و سیاست گذاری های حکومت هایی که خاستگاه دینی دارند، شناخت گفتمان های حاکم بر این دانش امری ضروری است؛ چه بسا چالش های حقوق اسلامی دوران معاصر که رویاروی مدرنیته قرار گرفته است در این واکاوی مناشیء خویش را شناسد و بتواند برای آن چاره جویی نماید. این نوشتار با روش تحلیلی و توصیفی به مطالعه موردی قوامیت زوج که از مباحث جدی حقوق خانواده است پرداخته، گفتمان های فقهی را که منجر به خوانش های متعدد از جایگاه زوج در خانواده می گردد، شناسایی کرده و سپس به نقاط مثبت و منفی آن پرداخته است تا تفسیری مطابق با نگاه جهان معاصر به انسان از زاویه گفتمان های فقهی ارائه گردد. بی گمان انسان امروز، با توجه به رویشی که در نظام های تربیتی معاصر ارائه گردیده است، تکلیف پذیری مطلق و رابطه رییس و زیردست را به ویژه در فضای خانواده که مهد تربیت از طریق روابط معقول و عاطفی است، پذیرا نیست، از این رو ضمن تفاوت جایگاه زوج و زوجه باید واژگانی دیگر را جایگزین ریاست نمود که نگاه مقاصدی در گفتمان مقاصد شریعت در فقه بازتاب آن است.

واژگان کلیدی: قوامیت، حق ریاست زوج، حق اطاعت زوج، گفتمان کاوی در فقه، مقاصد شریعت، حقوق خانواده.

^۱ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد



۱۴۰۳/۱۲/۱۷

پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم اسلامی

5th National Conference of Jurisprudence, Law and Islamic Sciences



۱. مقدمه

طرح مسئله: فقه دانشی است که مقررات و قوانین دینی را در زندگی فردی و اجتماعی تبیین میکند و به عنوان بخشی از دین مطرح است. ازین رو مطالعات گفتمانی در فقه نیز سرنوشت مشابهی با مطالعات گفتمانی در حوزه دین مییابد. به عبارتی دیگر، در مطالعات گفتمان کاوی، فقه دارای یک یا چند گفتمان است. گفتمان‌هایی که مبتنی بر شیوه‌ها و روش‌های فهم احکام شرعی دین است و با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. برای نمونه از مشهورترین گفتمان‌ها در دانش فقه، می‌توان به گفتمان اخباریان و اصولیان اشاره کرد که هریک شیوه خاصی را برای وضع احکام فقهی تعریف می‌کنند. علاوه بر گفتمان‌های درون فقهی، فقه از گفتمان‌های برون فقهی نیز اثر میپذیرد. گفتمان‌هایی که در سطح مطالعات اجتماعی و سیاسی مطرح می‌گردد و فقه را به عنوان دانشی که در عرصه اجتماع به وضع قوانین دینی می‌پردازد، متأثر می‌سازد. برای نمونه زمانیکه گفتمان حقوق بشر به شکل وسیع جوامع حقوقی را تحت تأثیر خود قرار داد، فقه نیز از این گفتمان تأثیر پذیرفت و برخی احکامی که قرن‌ها بدون میان مسلمانان رواج داشت با چالش مواجه گردید.

ضرورت و پیشینه مطالعات گفتمانی در فقه:

مطالعات گفتمانی رویش و شکلگیری یک تفکر در بستر اجتماع و نحوه اثرگذاری آن را تجزیه و تحلیل میکند و از پس این تحلیل به جهت دادن آن اقدام مینماید. گفتمانها را نباید صرفاً ایدئولوژی، به مفهوم سنتی و محدود آن (یعنی مجموعه عقایدی که به وسیله آن اعمال اجتماعی سازمان یافته توجیه و تشریح میشود) پنداشت؛ بلکه گفتمان مجموعه‌ای از تفکرهاست که با زبان و شیوه خاصی منشأ اثر بخشی اعمال اجتماعی میگردد و بر همه نهادها و سازمان‌های متأثر از آن گفتمان سایه می‌افکند. در این راستا پژوهشگری که به تحلیل گفتمان‌ها می‌پردازد، سعی می‌کند خود را به جای عاملی که در جامعه عمل می‌کند تصور کرده و بدین طریق اعمال اجتماعی را درک نماید. این تجزیه و تحلیل عمیق و ریشه‌یابی مسائل در راستای جهت‌دهی آنها امری ضروری در جریان مطالعات علوم انسانی و اجتماعی به شمار میرود چراکه در جریان آن نقاط ضعف و قوت آشکار شده و بسیاری از پیچیدگی‌ها و تناقض‌ها پاسخ می‌یابد.

برای درک اهمیت مطالعات گفتمانی در فقه، ابتدا باید به این نکته توجه داشت که این دانش در حوزه‌های مختلفی از علوم اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کند؛ علاوه بر نقش دانش فقه در حوزه قانون‌گذاری و شکل‌گیری دانش حقوق در جوامع مسلمان، در حوزه علم سیاست، سیاست‌گذاری‌های حکومت‌هایی که خاستگاه دینی دارند و بر جوامع مسلمان حکومت می‌کنند، از احکام فقهی و رویکرد فقیهان متأثر است. نمونه‌های متعدد تاریخی گواه این مطلب است که عالمان و فقیهان نقش مهمی را در پدیده‌های اجتماعی ایفا کرده و منشأ جنبش‌های سیاسی گشته‌اند. به طوری‌که در این جوامع، مسلمانان به عنوان افراد جامعه، خود را در برابر فتاوای فقهی مکلف می‌دانند و این موضوع سبب می‌شود که در جریان‌های اجتماعی، رفتاری مطابق دیدگاه‌های فقیهان به وجود آید.

علاوه بر این، گفتمان کاوی در فقه در دوران حاضر، به دنبال تحولاتی که در حوزه‌های گوناگون این دانش رخ داده‌است، اهمیتی افزون یافته است. توضیح آن‌که دانش فقه از ابتدای شکل‌گیری تا دو سده اخیر (بیش از ده قرن) رسالت خود را بیان احکام شرعی مستخرج از منابع شرعی می‌دانست که مشتمل بر نصوص قرآن و سنت بود. این رویکرد تهی از نگاه‌های فلسفی به موضوعات و مسائل شرعی بود و صرفاً وظیفه خود را بیان تکالیف انسان‌های مسلمان در زندگی



می‌دانست. در این راستا اساساً دانش فقه با چالش و پرسشی که خواهان بیان غایات احکام و اهداف شریعت باشد، مواجه نبود؛ اما از دو قرن گذشته، در پی رشد مفاهیم فلسفی و ظهور مدرنیته، موضوعات و مباحث فقهی نیز از تأثیر چنین تحولاتی مصون نماند و با چالش‌های متعددی روبرو شد. چالش‌هایی که موضوعات و احکام فقهی را از دریچه نگرش‌های فلسفی می‌نگریست و باید در برابر پرسش‌های متفکران و اندیشمندان که تمامی مسائل را به داوری عقل و علم می‌سپردند، پاسخی منطقی می‌یافت. چنین بود که رفته رفته دانش فقه، با گفتمان‌های متعددی روبرو شد، گفتمان‌هایی که از برون این دانش، به فضای درونی آن رخنه کرده و شکلی جدید به رویکردهای فقیهان داد. به‌طوری‌که بسیاری از مباحث که پیش از آن تنها در دریچه وحی نگریسته می‌شد، از منظر عقل نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

از این رو شناخت عمیق نظریه‌های فقهی و تحول تاریخی آنها، امکان نقد تاریخی، شناخت مؤلفه‌های اساسی مؤثر در نگرش‌های فقهی که همگی در مطالعات گفتمان‌محور مورد توجه است، امروزه نقش مهمی در رشد و حتی بقای این دانش خواهد داشت و موجب جهت‌دهی و پیرایش نقاط مبهم و نیز حل تعارض‌ها خواهد شد. از این منظر با مطالعات گفتمان و تحلیل گفتمانی به اهداف فقه پویا که پاسخگویی به مسائل اجتماعی انسان باورمند به دین اسلام است، نزدیک خواهیم شد.

با توجه به نکات فوق نوشتار حاضر در صدد پاسخگویی بدین پرسش است که خوانش‌های مختلف به حق ریاست زوج به عنوان یکی از مسائل پرچالش و کاربردی حقوق خانواده از چه گفتمان‌هایی در فقه متأثر است؟ کدام خوانش با نگاه به انسان معاصر همسو است؟

۲. مبانی نظری و واژگان

۲-۱. گفتمان

گفتمان از واژگانی است که در دهه‌های اخیر کاربرد رایجی در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی یافته است. واژه گفتمان را می‌توان در فرهنگنامه‌هایی که به ترجمه واژگان لاتین پرداخته‌اند یافت. در این کتاب‌ها، گفتمان ترجمه واژه (Discourse) است. Discourse را به معنای ارتباط گفتاری یا نوشتاری میدانند. به عبارتی این واژه بیان نظرات در یک موضوع خاص و واقعی به صورت یک ارتباط گفتاری منسجم مانند سخنرانی یا ارتباط نوشتاری مانند یک اثر است. با توجه به این معنا از گفتمان، مطالعات گفتمانی یا تحلیل گفتمان یا گفتمان کاوی شکل گرفته است که معنای پیچیده‌تری دارد. تحلیل گران گفتمان، آن را شکلی از کاربرد زبان می‌داند که برای برقرار کردن ارتباط میان اندیشه‌ها و باورها به کار گرفته می‌شود. (دایک، ۱۳۸۲، ص ۱۶)

گفتمان دین و گفتمان دینی: اگر گفتمان را منطق القای تفکری خاص در بستر اجتماع بدانیم، بیگمان هر واژه‌ای که در کنار آن قرار گیرد و ترکیب وصفی یا اضافی را تشکیل دهد به گونه‌ای بیانگر نقش آن موضوع در شیوه القای تفکر خواهد بود؛ از این رو زمانی که از گفتمان دین سخن می‌گوییم در واقع دین را به مثابه باورها، اعمال، نهادهایی در جامعه میدانیم که از امری قدسی الهام گرفته و برای اثبات خود در بستر اجتماع با منطق و کلام خاصی با انسان مواجه گشته است. (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷) الهی و ماواء طبیعی بودن مهم‌ترین خصیصه‌ای است که گفتمان دین بر آن استوار است و بر همه ابعاد آن اثر می‌گذارد.

اصطلاح دیگر، گفتمان دینی است. این واژه ترکیبی وصفی است و زمانی مطرح می‌شود که ویژگی دینی بودن بر سایر گفتمان‌ها اثر گذارد و در این راستا آنها را تحت تأثیر گفتمان دین قرار دهد که همان جهت الهی و قدسی بودن را داراست. برای مثال گفتمان‌هایی مانند عدالت، سیاست، قدرت و... زمانی که در سایه گفتمان دین تحلیل گردد، به عنوان گفتمان دینی شناخته خواهد شد.



گفتمان فقه و گفتمان فقهی: مطالعات گفتمانی در فقه سرنوشت مشابهی با مطالعات گفتمانی در حوزه دین مییابد. به عبارتی دیگر، در مطالعات گفتمان‌کاوی، فقه دارای یک یا چند گفتمان است. گفتمان‌هایی که مبتنی بر شیوه‌ها و روش‌های فهم احکام شرعی دین است و با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد. برای نمونه از مشهورترین گفتمان‌ها در دانش فقه، می‌توان به گفتمان اخباریان و اصولیان اشاره کرد که هریک شیوه خاصی را برای وضع احکام فقهی تعریف میکنند. علاوه بر گفتمان‌های درون فقهی، فقه از گفتمان‌های برون فقهی نیز اثر می‌پذیرد. گفتمان‌هایی که در سطح مطالعات اجتماعی و سیاسی مطرح میگردد و فقه را به عنوان دانشی که در عرصه اجتماع به وضع قوانین دینی می‌پردازد، متأثر می‌سازد. برای نمونه زمانی که گفتمان حقوق بشر به شکل وسیع جوامع حقوقی را تحت تأثیر خود قرار داد، فقه نیز از این گفتمان تأثیر پذیرفت و برخی از احکامی که قرن‌ها میان مسلمانان رواج داشت با چالش مواجه گردید.

۲-۲. قوامیت زوج

قوام از ریشه قوم صادر گردیده، آنچه امر بدان قائم باشد و مایه درستی و آراستگی آن بود. معنا شده است. (ابن منظور، ۴۹۹/۱۲) قوامیت زوج اصطلاحی است که برگرفته از آیه ۳۴ سوره نساء است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» در میان مفسران و اندیشمندان فقهی و حقوقی سه رویکرد در خصوص قوامیت مطرح است. برخی معنای قوامیت را ریاست دانسته و ماهیتاً آن را حق شوهر تلقی می‌کنند که منجر به اطاعت محض زوجه از وی می‌گردد. در مقابل برخی آن را مانند حضانت مجموعه‌ای از حق و تکلیف می‌شمرند که بر اساس آن زوج در عین سلطه و اقتداری که از لوازم حقوق است داراست اما وظیفه مراقبت و مدیریت خانواده را نیز بر عهده دارد. در رویکرد سوم قوامیت زوج به معنای سرپرستی و حمایت وی از خانواده تلقی می‌گردد. برخی از مفسران قوامیت را به مفهوم قیام به امر، مراقبت، تکفل امور زنان و کارگزاری دانسته‌اند. به نظر این گروه، آیه قوامیت فقط بر قیام کردن به امور زنان و نه سلطه بر آنها دلالت دارد. در این دیدگاه تحلیل گروه نخست را (سرپرستی و قیمومت) ناشی از عرف حاکم بر جامعه می‌دانند نه قرآن. صادقی تهرانی در تفسیر الفرقان بر این باور است که قوامون به معنای مراقبت نیکو از زنان و حفظ و حراست شایسته از آنان است و این قوامیت نشانه برتری گروه مردان بر زنان نیست و هیچ‌گونه ولایتی برای مردان بر زنان مقرر نکرده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ۳۶/۵)

۳. گفتمان‌های فقهی در قوامیت زوج

در این قسمت از نوشتار به بیان گفتمان‌ها پرداخته، ابتدا تعریفی از آن‌ها ارائه می‌گردد و سپس در تبیین آن در بحث قوامیت صورت می‌پذیرد.

۳-۱. گفتمان نص محور

قرآن و سنت دو منبع شناخته شده فقه میان همه مذاهب مسلمانان است. اهمیت ویژه این دو که نصوص شرعی خوانده می‌شود؛ به‌ویژه در فقه برخی مذاهب موجب پیدایش گفتمان نص شده است. در این گفتمان، از اعتبار نصوص و صلاحیت آن‌ها برای به‌دست آوردن احکام شرعی سخن گفته می‌شود؛ از آنجا که نصوص شرعی، دارای منشأ وحیانی است، صلاحیت آن را دارد که بیانگر قوانین زندگی بشر باشد. این گفتمان در مبادی کلامی فقه به‌درستی باور آورده است که شریعت سیراب از آب‌شخور وحی، سراسر حق و درست است و متن منبع کشف آن است. در این خوانش قرائن فرامتنی کمتر مورد توجه است. پرسش‌های فلسفی مغفول است و همه سعی فقیه مستنبط در یافتن معذرها و مؤمن‌ها خلاصه می‌شود. سیطره نصوص در این گفتمان تا حدی است که فقیه را به تعبد حداکثری در احکام فقهی وا می‌دارد. و اصل توقیفی و تعبدی بودن احکام را در برابر اصل تعلیل و تعقل می‌نشانند. این بارزترین ویژگی گفتمان نص است. ازین جهت گرچه در سایر گفتمان‌های پیش رو نیز کمابیش، نصوص مورد توجه است؛ اما نگاه فلسفی و تعلیلی به‌ویژه در احکام اجتماعی و معاملات منجر شده که فقیهان ظاهر نصوص را در سایه ابزارهای دیگر که غالباً متکی به اصل تعلیل و



تعقل است، تفسیرگونه بررسی کنند؛ برخلاف گفتمان نص که اغلب بسندگی به ظهور اولیه نصوص و توقیف و تعبد در برابر آن دیده می‌شود. جالب توجه آن که براساس رویکرد فوق، اجماع نیز در این گفتمان جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. به نظر می‌رسد علت منزلت اجماع در این گفتمان، نوعی اطمینان خاطر فقیهان از میراث متعبدانه‌ای است که از صاحب شریعت سلسله وار و سینه به سینه میان فقیهان نقل شده است و همراهی نصوص با اجماع این تعلق خاطر به احکام توقیفی را تکمیل می‌کند.

باید توجه داشت هیچ‌گاه در میزان به‌کارگیری قواعد و ابتنای اجتهاد بر نصوص رویکرد متحدی میان فقیهان وجود نداشته است؛ ازین‌رو در مدار زمان، اندیشه فقهی نص‌محور در زیرمجموعه خود درگیر گفتمان‌های جزئی‌تر شده است که در روش‌های فهم متن با یکدیگر تفاوت دارد. برای مثال در نزد شیعه، دو گفتمان اصولی و اخباری ذیل گفتمان نص پدید آمده است که با وجود اشتراک بر اصل اهمیت و جایگاه نصوص شرعی در اجتهاد، تفاوت‌هایی در جزئیات استفاده و فهم برخی از نصوص شرعی داشته‌اند. اصولیان با استفاده از اصول عقلایی چون اصالت ظهور، شیوه‌های فهم متن را مورد توجه قرار داده‌اند. امری که نقش آفرینی قواعد دانش اصول فقه را باعث شده است و بخش مهمی از گزاره‌های اصولی به مباحث الفاظ اختصاص یافته‌است که در آن مهارت فهم و تفسیر متن به کار گرفته می‌شود. گفتمان نص‌محور می‌کوشد با به‌کارگیری ضوابط اصولی در پی استنباط احکام فقهی از خلال ادله متنی باشد. در میان اهل سنت نیز اصحاب حدیث و ظاهری‌ها گرچه دارای گفتمان‌هایی مختص به خود هستند اما هر دو به گفتمان نص‌محور تعلق دارند.

۱-۳. قوامیت زوج در گفتمان نص‌محور

در نگاه نص محور قوامیت زوج با توجه به آنچه در آیات و روایات وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء، دو الگوی متفاوت از زنان در روابط خانوادگی مقایسه شده است؛ یکی از این دو الگوی قنوت و دیگری الگوی نشوز است. در قسمتی از این آیه آمده است: «پس زنان درستکار فرمانبردارند؛ به پاس آنچه خدا حفظ کرده، اسرار را حفظ می‌کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید، پندشان دهید... قنوت به معنای اطاعت یا فرمانبری است. (جوهری، ۱۴۱۰، ۱/۲۶۱) برخی نوشته‌اند قنوت به لزوم اطاعت همراه با خضوع گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶/۶۸۴) در حقیقت قنوت، نقیض نشوز است؛ زیرا نشوز در لغت به معنای ارتفاع، امتناع یا تمرد است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۶/۲۳۲) در نگاه این رویکرد نشوز به معنای تمرد زن در مقابل مرد است. از این رو در این نگاه مرد مانند رئیسی تلقی می‌شود که همواره باید از اوامر او اطاعت کرد و در مقابل نافرمانی از او عنوان تمرد به زوج داده می‌شود. (هدایت نیا، ۱۳۹۵، ۲۲۰)

علاوه بر این در این نگاه آیه ۲۲۸ سوره بقره نیز که خداوند می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرَّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» عبارت دوم به معنای برتری مرد نسبت به زن تلقی می‌گردد از این حیث حق اطاعت وی امری مسلم است.

نص محوران علاوه بر نگاه به ظاهر آیات مذکور، ظواهر نصوص دیگری را نیز به عنوان دلیل و شاهد این رویکرد ذکر می‌کنند، که از جمله آن می‌توان به روایاتی که زن را از نافرمانی از زوجه نهی کرده است اشاره کرد از بارزترین این روایات، صحیح محمد بن مسلم است: این روایت از امام باقر (ع) است. مطابق این نقل، زنی نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! حق زوج بر زوجه چیست؟ پیامبر (در پاسخ وی فرمود: فرمان او را اطاعت کند و از منزل او بدون اجازه او صدقه ندهد و بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد و او را از خود منع نکند اگر چه بر روی کوهان شتر باشد و از منزل خود بدون اذن شوهر خارج نشود و اگر از منزل خود بدون اذن شوهر خارج شد، فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت وی را لعنت می‌کنند تا به منزل خود بازگردد. پس از پاسخ پیامبر، زن دوباره می‌پرسد: یا رسول الله! حق چه کسی بر زن بزرگتر است؟ آن حضرت پاسخ داد: شوهر. زن پرسید: پس حق من بر او مانند حق او بر من است؟



۱۴۰۳/۱۲/۱۷

پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم اسلامی

5th National Conference of Jurisprudence, Law and Islamic Sciences



پیامبر(ص) فرمود: خیر! یک از صد هم نیست. این سخن بر زن گران آمد و در واکنش به آن گفت: سوگند به خدایی که تو را بحق به نبوت مبعوث کرد، هرگز شوهر نمی‌کنم و خود را در اختیار مردی قرار نمی‌دهم. (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۰۶/۵) علاوه بر روایت فوق روایات دیگری نیز مستند این نگاه فقهی قرار گرفته است. به گزارش هدایت نیا در کتاب خود (هدایت نیا، ۱۳۹۵، ۲۲۲) بسیاری از فقها و بلکه مشهور آنان بر حرمت خروج بی‌اجازه زن از منزل به طور کلی فتوا داده‌اند؛ اعم از اینکه منافی حق استمتاع شوهر باشد و به تضییع آن بینجامد یا این‌گونه نباشد. (صاحب جواهر، ۱۴۱۳، ۱۴۷/۳۱) بعضی از فقها نوشته‌اند: از وظایف زوجه آن است که بدون اذن شوهر از منزل خود خارج نشود، اگرچه به سوی منزل خانواده و خویشان خود، حتی عیادت بیماران یا حضور بر مردگان و تعزیت آنان باشد. (شهید ثانی، ۱۴۰۴، ۳۰۸/۸) در آثار بعضی فقهای اهل سنت نیز همین رویکرد مشاهده می‌شود. (زیدان، ۱۴۲۰؛ ۲۷۸/۷)

۳-۲. گفتمان حق مدار

گفتمان حقوق، با نظر به معنای حق، واژه مفرد حقوق، شکل گرفته است؛ ازین رو می‌توان آن را گفتمان حق‌مدارانه نیز نامید. منظور از حق در این کاربرد، سلطنت و امتیاز برای صاحب حق است. طبق مبانی دینی صاحب اصلی همه حقوق خداوند است که آن‌ها را به صورت اعتباری به آفریدگان واگذار می‌کند. از این منظر انسان‌ها نیز صاحب حق می‌گردند. این معنا در ادبیات دینی جایگاه درخوری دارد و در شاخه‌های مختلفی از فقه، اخلاق و عقیده مطرح شده و گفتمان حقوق را شکل داده است. در این گفتمان همه چیز با خوانشی حق‌مدارانه روبروست، پدیده‌ها و رفتارها از منظر تحصیل یا تضییع حق تحلیل می‌گردد و روابط با نظر به حقوق افراد درگیر آن شکل می‌گیرد. گفتمان حقوق کاملاً معنایی متفاوت از گفتمان حقوقی دارد. گفتمان حقوقی، زبان‌شناسی دانش حقوق است که در راستای شناخت حقوق به معنای قوانین و تحلیل و کاربرد آن قدم برمی‌دارد. در حالی که گفتمان حقوق بر شناخت امتیازها و سلطنت‌های صاحبان حق تمرکز یافته است.

در این گفتمان با دو دسته از حقوق مواجهیم:

حق خداوند: در ادبیات دینی، حق‌الله بحثی شناخته شده و دارای کاربردهای متعدد در حوزه‌های مختلف است. به نظر بسیاری از محققان صاحب اصلی همه حقوق خداوند است و اوست که سلطنت مطلقه دارد، اما اراده کرده است که حقوقی را در اختیار مخلوقات خویش قرار دهد. با این وجود برخی حقوق مختص خداوند است و مخلوقات در اسقاط آن هرگز توانایی ندارند، مانند حق عبودیت.

حق مخلوقات: در مقابل حق خداوند، حقوقی مطرح است که با اراده وی به مخلوقات داده شده است. انسان به عنوان مخلوق ذی-شعور خداوند، دارای حقوق بسیاری است که از آن به حق الناس تعبیر می‌گردد. گرچه در ادبیات دینی از حقوق سایر مخلوقات چون حیوانات نیز سخن گفته شده است.

۳-۲-۱. قوامیت زوج در گفتمان حق‌مدارانه

از آنجا که در گفتمان حق‌مدارانه، مباحث فقهی و حقوقی در سایه دستیابی به حق افراد مطرح می‌گردد، نسبت به گفتمان نص محور نظری متفاوت راجع به حق ریاست زوج بیان می‌شود. برخی حقوق دانان در این مسئله به نظریه پردازی رسیده‌اند مصطفی محقق داماد با نگرشی حقوقی به ریاست مرد بر خانواده می‌نویسد: «اگرچه به موجب تعلیمات اسلامی هریک از زن و مرد نسبت به همدیگر حقوقی دارند و مجاز به تجاوز به حق دیگری هم نیستند؛ ولی در عین حال برای خانواده به عنوان یک جامعه کوچک مرد را رئیس قرار داده است. وی منظور از ریاست را تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده و مراعات مصالح آن دانسته که برخی را قانون‌گذار مشخص کرده مانند انتخاب محل سکونت و مواردی که قانون پیش‌بینی نکرده، مطابق عرف و عادت عقلایی معین می‌شود». (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۲۸۸)



دکتر کاتوزیان نیز با نگرشی متفاوت ریاست مرد را وضعیتی شبیه حضانت می‌داند که از یک سو چه در ارتباط باهمسر (قوامیت) و چه در ارتباط با فرزندان (ولایت) تکلیفی درجهت حمایت، نظارت و حفظ مصلحت خانواده است و از دیگر سو با در نظر گرفتن امتیازات ناشی از این اقتدار قانونی و روانبودن ممانعت دیگران از آن، چهره‌ای از حق به خود می‌گیرد؛ بنابراین ریاست مرد بر خانواده به صورت آمیزه‌ای از حق و تکلیف جلوه‌گر می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۶۷۶)

در این رویکرد حقوقی، با توجه به اهدافی مانند عدالت و حفظ نظم اجتماع، ریاست خانواده به زوج سپرده شده است، چنانچه در قانون مدنی نیز ماده ۱۱۰۵ بر این موضوع صراحت دارد: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.» حق زوج در ایجاد محدودیت و کنترل رفت و آمد زوج، مطلق نیست، زوج حق استمتاع دارد، زوج نیز حقوقی دارد، آزادی زن فقط در صورتی که با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد، محدود می‌شود. در مواردی که زوج در محل کار یا در مسافرت است، خروج زوج از منزل با رعایت حدود شرعی هیچ محذوری ندارد. برخی محققان بر این باورند روایاتی نیز که به طور مطلق خروج زن از منزل را نهی و مذمت نموده‌اند، در صدد بیان اموری اخلاقی بوده و الزامات حقوقی را از آن نمی‌توان استخراج نمود.

ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که تنها مستند حقوقی ریاست شوهر بر خانواده است را فقط به امور زناشویی می‌توان محدود نمود؛ به نظر می‌رسد تعبیر «روابط زوجین» در این ماده، ناظر به همین معناست، همچنین اگر خروج زن از منزل در هر حال منوط به جلب موافقت شوهر باشد، دیگر ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که برای زن حق اشتغال پیش‌بینی نموده، بسیار کم اهمیت جلوه می‌نماید، زیرا اگر چه بین اشتغال و خروج از منزل، ملازمه‌ای وجود ندارد، ولی بحث اشتغال زن عمده‌تاً در بیرون منزل مصداق پیدا می‌کند و فعالیت شغلی داخل منزل مانند خیاطی و... کمتر با حق استمتاع شوهر تعارض دارد، بنابراین اگر به دلیلی موجه، بدون موافقت شوهر از منزل خارج شود، مستلزم نشوز نمی‌باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۵، ۱۳)

در این نگاه ارتباط مقررات خانواده با نظم عمومی، اجازه نمی‌دهد تا زوجین، تراضی بر اعطای ریاست خانواده به زوج نمایند. زیرا هدف از ریاست مرد بر خانواده، رعایت مصلحت نظام خانواده می‌باشد که به عنوان جزئی از نظم عمومی اجتماعی مطرح است.

در کنار این موضوع ماده دیگری نیز مورد توجه قرار می‌گیرد ماده ۱۱۰۳ اشاره دارد: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. براساس این ماده تا زمانی ریاست شوهر در خانواده بر قوت خود باقی است حسن معاشرت مورد لطمه واقع نگردد، شایان ذکر است از این جهت دولت‌ها، خود را مکلف به حمایت از اولاد و زن، در برابر رئیس خانواده می‌دانند. بنابراین براساس گفتمان حق مدارنه، تفسیر ریاست زوج به معنای لزوم اطاعت از وی است تا زمانی که حقوق بشری زوج مورد لطمه واقع نشود و حسن معاشرت نیز صورت پذیرد. از این رو ضمن قوانین مربوط به شروط ضمن عقد به زوج این حق داده می‌شود در مواردی که نمی‌خواهد از زوج اطاعت کند مانند حق اشتغال، تحصیل و... آن را ضمن عقد نکاح شرط کرده و زوج نیز نمی‌تواند با تعهدی که داده است مطالبه حق اطاعت داشته باشد.

۳-۴. گفتمان مقاصد شریعت

گفتمان مقاصد شریعت را می‌توان در زمره گفتمان‌های درون فقهی به شمار آورد. مقاصد شریعت، غایات و اسراری است که شارع به هنگام وضع قوانین در نظر دارد. «مقاصد کلی تشریع، معانی و حکمت‌هایی است که شارع آنها را در همه یا بیشتر احکام خود در نظر داشته است به گونه‌ای که اختصاص به نوع خاصی از احکام شریعت ندارد بنابراین اوصاف شریعت، هدف کلی آن و معانی‌ای است که به هنگام تشریع احکام مورد نظر شارع بوده است و حتی معانی‌ای که در برخی از احکام شریعت به چشم نمی‌خورد اما در بیشتر احکام آن وجود دارد، داخل در این تعریف می‌گردد». (حسنی، ۲۰۰۵م، ۱۱۳)



۱۴۰۳/۱۲/۱۷

پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم اسلامی

5th National Conference of Jurisprudence, Law and Islamic Sciences



این گفتمان در عملیات اجتهاد بیش از آن که خود را مقید به ظواهر نصوص در منابع فقهی نماید، می‌کوشد مقاصد و اهداف احکام الهی را کشف کرده و براساس آن در صدد استنباط احکام برآید و یا دلالت نص را در سایه مقاصد پی‌گیرد. به دلیل سیطره اجتهاد نص محور در میان فقه شیعه و اهل سنت از گذشته تا امروز؛ گفتمان مقاصد با چالش‌های متعددی مواجه است. نیز باید دانست که رویکردهای متفاوتی نسبت به تفسیر و کارکرد مقاصد شریعت وجود دارد؛ دو رویکرد اصلی در گفتمان مقاصد عبارت است از: رویکردی که کارکرد مستقلاً برای مقاصد شریعت قائل نیست؛ نقش آن را مفسر نصوص دانسته و یا شناخت اهم در عرصه‌های تراحم را برای مکلفان از جمله فواید شناخت مقاصد می‌داند. اما رویکرد دیگر نقش مقاصد را در حوزه استنباط احکام روشن می‌سازد، بدان استقلال می‌بخشد و فعلیت احکام را در گروهی تحقق غایات آن می‌داند. (ریسونی، ۱۳۷۶، ۴۳۸، علیدوست، ۱۳۸۸، ۳۷۶)

۳-۳-۱. قوامیت زوج در گفتمان مقاصدی

گرچه گفتمان حق مدارانه در مقابل گفتمان نص محور، خوانش معتدل‌تری از قوامیت زوج و حق اطاعت وی ارائه می‌کند، اما باید توجه داشت گام دیگری نیز در گفتمان‌های فقهی در این زمینه برداشته شده که به نظر می‌رسد با توجه به نگاه امر به انسان معاصر تناسب بیشتری داشته باشد.

در گفتمان مقاصد شریعت همه چیز در سایه اهداف شریعت تفسیر و تبیین می‌گردد، مهم‌ترین و عالی‌ترین هدف شریعت عبودیت است. از وجوه مهمی که فقه را از سایر نظام‌های حقوقی موضوعه متمایز می‌گرداند، نوع جهان بینی به مقام قانونگذاری است. در فقه، حق قانونگذاری مخصوص خدا است و هرکس بی‌اذن و اجازه و فرمان او اقدام به چنین کاری کند مرتکب تهمت و افتراء بر خدا شده‌است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۲۸/۸) این حاکمیت مطلق، نتیجه منطقی دلائل متقن توحید، نخستین اصل اعتقادی اسلام است. زیرا معنی توحید، تنها "خالق بودن" خدا نیست بلکه هدفدار بودن جهان و وابستگی کل نظام آفرینش به مبدأ حکیم است تا کاروان هستی تحت یک مشیت حکیمانه و هدایت هماهنگ به سمت کمالات شایسته‌ای که از «او» آغاز و به سوی «او» کشیده می‌شوند، حرکت نماید.

(عمیدزنجانی، ۱۴۲۱، ۲۵۰/۱) لذا انسان نیز به عنوان جانشین و امانتدار الهی در زمین، مکلف به انجام دستورات اوست تا جوهر عبودیت در وی شکل گرفته و از این طریق به کمالات و سعادت ابدی نائل آید. از این رو عالی‌ترین هدف و مقصد کلیه قوانین تشریعی، قرار گرفتن در مسیر عبودیت و تقوای الهی است و سایر مقاصد شریعت در واقع مقدمات و راهبردهایی برای رساندن انسان به این مقصد است. در سایه عبودیت سخن از برتری مرد نسبت به زن امری بی‌معناست زیرا همه انسان‌ها در برابر خداوند تکلیف دارند و اگر اختیاری به انسان داده می‌شود باید از جانب خداوند اعطا گردد. از این رو در نگاه مقاصد آیه ۲۲۸ سوره بقره بیانگر بالاتر بودن جایگاه زوج نسبت به زوجه نیست بلکه نشان از تفاوت جایگاه این دو در عرصه نظام خانواده دارد.

مقصد و هدف دیگر شریعت عدالت و امنیت است. نویسندگان و محققان تقسیم‌بندی‌های مختلفی را برای عدالت ارائه داده‌اند. (احمدی، ۱۳۹۵، ۳۹-۴۰) میتوان عدالت را ابتدا به دو قسم تکوینی و تشریعی تقسیم نمود. عدالت تشریعی نیز دارای دو قسم عدالت فردی (شامل ملکات اخلاقی و فقهی) و عدالت اجتماعی است. عدالتی که در بحث مقاصد شریعت به ویژه مقاصد سیاسی مطرح بوده، عدالت تشریعی از نوع اجتماعی آن است. عدالت اجتماعی خود اقسام گوناگون دارد، قسمی از آن عدالتی است که حاکمان بر برابر مردم موظف به آن هستند. چنین عدالتی به معنای آن است که با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای عدالت شود که به حق خویش برسند. انصاف به عنوان یکی از معانی لغوی عدالت به این برداشت مفهومی نزدیکی زیادی دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۳۲/۱۲) در گفتمان مقاصد تأکید می‌گردد احکامی که موجب عدم تحقق چنین مقاصدی گردد باید با دیده تردید نگریسته شود. از این رو اندیشمندان این رویکرد بر این باورند



نصوصی که در آن حق اطاعت برای زوج قرار داده شده است و مجازات زوجه‌ای که از زوج اطاعت نکند بسیار شدید بیان شده، مغایر اصول عدالت است.

علاوه بر این مقاصد جزئی شریعت در بحث نکاح با توجه به آیات کریمه قرآن بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد، در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (۲۱ روم) که بیانگر هدف اصلی ازدواج که مودت و رحمت و آرامش روانی است. قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است، و با تعبیر پر معنی "لتسكنوا" مسائل بسیاری را بیان کرده و نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. به راستی وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها که مایه آرامش زندگی آنها است یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این آرامش از اینجا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر می‌باشند بطوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او چنین جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۹۱/۱۶).

حال با توجه به انگاره‌های فوق باید به وضعیت قوانین موجود نگرست و بدین پرسش پاسخ داد که آیا تفسیر قوامیت به معنای ریاست زوج و حق اطاعت وی با مقاصد عالی و میانی شریعت همسو است یا خیر؟

توجه به این نکته ضروری است که که جهان معاصر در دوران مدرنیته نگاه متفاوتی به بشر و انسان دارد، در این نگاه انسان‌ها بیش از آنکه تکلیف‌مداری را برتابند به دنبال حق‌مداری هستند. نظام‌های تربیتی از استبدادگرایی به سمت حمایتگری پیش می‌رود. تنبیه بدنی که در گذشته بسیار مرسوم بوده است امروز مردود و نقیض کرامت انسان حتی کودکان است. از این رو بشر امروز به دنبال فضای گفتگو محور و تعقل‌گراست و تکلیف‌گرایی و نظامی که در آن تنها روابط براساس تشکیلات رئیس و زیردست است را نمی‌پذیرد. این تحول تربیتی را بی‌گمان نمی‌توان در عرصه نظام خانواده نادیده گرفت. علاوه بر این نگاه به زن نیز در دنیای کنونی متفاوت از گذشته است با توجه به رشد زنان در دنیای کنونی دیگر سخن از تمکین کامل زوجه از زوج مورد پسند نیست و واژگان ریاست، تمکین، حق اطاعت در نگاه گفتمان کاوانه گرچه در دیر زمان مورد استقبال و توجه بوده است اما امروز سبب تنش در نظام خانواده می‌گردد.

از این رو گفتمان مقاصد شریعت با توجه به در نظر گرفتن اهداف عالی شریعت و نیز تحولات دنیای کنونی بر این باور است آنچه از متون شریعت برداشت می‌گردد، اهمیت دادن به جایگاه متفاوت زن و مرد است و به هیچ‌وجه نمی‌توان قوامیت زوج را در معنای ریاست محدود دانست. قوامیت در این نگاه به معنای حمایتگری در راستای رشد و پرورش استعداد‌های اعضای خانواده به ویژه زوجه است، از این رو در زمان حاضر که زنان با تحصیل و اشتغال می‌توانند در عرصه شکوفایی استعداد‌های خویش قدم بردارند از جمله وظایف زوج تأمین زمینه‌های آن می‌گردد. علاوه بر این در این رویکرد از آنجا که متناسب با نظام خلقت، عمده چالش‌های فرزندآوری بر عهده زنان است، خداوند تکلیف اشتغال را از عهده ایشان برداشته و از این جهت مرد را موظف به تأمین نیازهای مالی خانواده دانسته است. بنابراین هرگونه تلقی از ریاست امروزه باید بازخوانی گردد.

۴. نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر در راستای بررسی قوامیت زوج و حق ریاست زوج در ضمن نگاه گفتمان کاوانه به نتایج زیر دست یافت:

۱. گفتمان کاوی در فقه ضرورتی است که می‌توان در جهان معاصر فقه را در مواجهه با چالش‌های مدرنیته ارتقا دهد و فقه پویا را به عرصه ظهور عملی نشانده؛ چه آنکه در پرتوی آن با شناخت نقاط ضعف و قوت، منطق و تفکری که در خوانش‌های متعدد مسائل فقهی وجود دارد، شناسایی شده و به خوانشی برگزیده متناسب با نیازهای زمان و در چارچوب مبانی فقهی نائل می‌گردد.



۱۴۰۳/۱۲/۱۷

پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم اسلامی

5th National Conference of Jurisprudence, Law and Islamic Sciences



۲. در نوشتار حاضر به صورت موردی بحث قوامیت زوج به عنوان یکی از مهم ترین مسائل فقه و حقوق خانواده مورد بررسی قرار گرفت، سه گفتمان نص محور، حق مدار، مقصدگرایانه در این زمینه شناسایی شد.
۳. در گفتمان نص محور با تکیه در ظواهر نصوص قوامیت زوج به معنای ریاست مطلق و حق اطاعت محض از زوجه است؛ گویی او رئیسی است که زیردستان او شامل زوجه و فرزندان می گردند و باید از اوامر او مطلقاً اطاعت کنند و در صورت عدم اطاعت عنوان تمرد و نشوز بر آنها اطلاق می گردد.
۴. در گفتمان حق مدار، از آنجا که هدف از فقه و احکام شریعت دستیابی فرد و جامعه به حقوق اساسی خویش است، قوامیت به معنای ریاست مطلق نیست بلکه مقامی است که قانونگذار به شوهر اعطا نموده است تا به وسیله آن مصلحت خانواده صورت پذیرد ازین رو در راستای حفظ مصلحت اجتماع اطاعت از زوج با رعایت حسن معاشرت از جانب وی پذیرفته خواهد بود.
۵. گفتمان دیگر، گفتمان مقاصد شریعت است که احکام را بر پایه اهداف کلی و جزئی شریعت تبیین می کند؛ در این گفتمان با توجه به اهداف شریعت در خانواده از جمله عبودیت، عدالت و امنیت و آرامش و نیز با تکیه بر نگاه به انسان دوران معاصر در سایه رشد تربیتی باید تا حد امکان از به کاربرد الفاظی چون رئیس، مطیع و... پرهیز نمود، در این نگاه مقصود از قوامیت مقام حمایتگری است که زوج داده شده است تا با توجه به جایگاه متفاوت وی و وظایفی که بر عهده اوست بتواند موجبات رشد استعدادها و شکوفایی افراد خانواده را فراهم آورد. از این جهت هرگونه استبداد ورزی و سلطه جویی در مقام قوام سوءاستفاده از حق تلقی شده و از منظر شریعت مردود است.

مراجع

- (۱) دایک، تون آدریانوس فان، (۱۳۸۲) مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، گروه مترجمان پیروز ایزدی و دیگران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیق .
- (۲) عیوضی، محمد، (۱۳۸۸)، «آسیب شناسی گفتمان عدالت در دولت دینی»، معرفت سیاسی، بهار و تابستان، صص ۱۹۵ تا ۲۲۷.
- (۳) ابن منظور، محمد بن مکرم (۷۱۱-۶۳۰ق)، لسان العرب، با تصحیح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم ۱۴۱۴ ق.
- (۴) صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، فرهنگ اسلامی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
- (۵) جوهری، اسماعیل بن حماد (۳۹۳ق)، الصحاح، با تحقیق عطار، احمد عبد الغفور، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول ۱۴۱۰ هـ.
- (۶) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (قرن ۴ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان، دار العلم-الدار الشامیة، چاپ اول ۱۴۱۲ ق.
- (۷) فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۷۵-۱۰۰ ق)، العین، قم به تصحیح مخزومی، مهدی، سامرائی، ابراهیم، نشر هجرت، چاپ دوم ۱۴۱۰ هـ ق.
- (۸) هدایت نیا، فرج الله، الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه، تهران، سازمان بسیج جامعه زنان کشور - لشکر فرشتگان، ۱۳۹۵.
- (۹) کلینی، محمد بن یعقوب (د. ۳۲۹ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- (۱۰) صاحب جواهر، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، به تصحیح عباس قوچانی، علی آخوندی، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم ۱۴۰۴ ق.
- (۱۱) شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ ق.



- ۱۲) زیدان، عبدالکریم؛ المفصل فی أحكام المرأة و بیت المسلم؛ ج ۳، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۳) کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: خانواده، انتشارات بهمن، تهران، ۱۳۷۱ ش،
- ۱۴) هدایت نیا، فرج الله، اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، پیاپی ۳۴ (زمستان ۱۳۸۵).
- ۱۵) حسنی، اسماعیل (متولد: ۱۹۶۳ م)، نظریه المقاصد عندالامام ابن عاشور، هیروندن، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۲۰۰۵ م.
- ۱۶) ریسونی، احمد، اهداف دین از دیدگاه شاطبی، ترجمه اسلامی، حسن، ابهری، محمد علی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۷) علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش
- ۱۸) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول ۱۳۷۴ ش.
- ۱۹) عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم ۱۴۲۱ ق.
- ۲۰) احمدی، سید جواد، «اصطلاح شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم همسو در آموزه‌های نهج البلاغه»، معرفت اخلاقی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۵۴-۳۷.
- ۲۱) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم ۱۴۱۷ ق.